





## Critical Discourse Analysis of the Last Pomegranate of World

Hamid Moradi<sup>1\*</sup> , Mostafa Gorji<sup>2</sup> , Osman Hedayat<sup>3</sup>

<sup>1\*</sup> Ph.D. Student, Department of Persian Language and Literature, Babolsar Faculty of Literature and Humanities, Mazandaran University

<sup>2</sup> Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University

<sup>3</sup> Ph.D. Student, Department of Sociology, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran

### Article Info

**Article type:**  
**Research Article**

**Received:**  
**07/11/2020**  
**Accepted:**  
**05/07/2021**

### ABSTRACT

From its earliest period of formation, the Kurdish novel has correlated political and social developments and conflicts. Among the collection of novel analysis methods, the critical discourse analysis method is more consistent with the nature of this type of novel. One of the methods of examining this particular type of novel analysis and its most effective approach is the subconscious approach, which pays special attention to its situational and political context in examining the text and examines it in three levels of description, explanation, and interpretation. The novel *The Last Pomegranate of the World* is one of the Kurdish political novels that read the events of the Kurdish uprising against the Ba'athist regime in Iraq and the coming to power of the semi-independent Kurdish government under the banner of the political parties in the region. The analysis of the text's propositions at the explanatory level shows that the political events of the period and the tumultuous atmosphere of the 1975s, the civil wars between the Kurdish parties, and the turbulent period that followed, have always failed, disappointed, and degraded. Finally, the novel's critical analysis is based on the novel's content, a critique of violence, politics, and power, which revolves around the fundamental theme of anti-authoritarianism and anti-politics.

**Keywords:** Kurdish novels, critical discourse analysis, *The Last Pomegranate of World*, Bakhtyar Ali, magical realism

**Cite this article:** Moradi, Hamid , Gorji, Mostafa , Hedayat Osman(2022). Critical Discourse Analysis of the Last Pomegranate of World, *Interdisciplinary research in persian Language and literature*, Vol. 1, New Series, No.1, spring and summer 2022: pages:147-167.



DOI: 10.30479/irpli.2021.14250.1006

© The Author(s).

**Publisher:** Imam Khomeini International University

**\*Corresponding Author:** Hamid Moradi

**Address:** Ph.D. Student, Department of Persian Language and Literature, Babolsar Faculty of Literature and Humanities, Mazandaran University

**E-mail:** moradihamid.2020@pnu.ac.ir

## تحلیل گفتمان انتقادی رمان آخرین انار دنیا\*

حمید مرادی<sup>۱\*</sup>، مصطفی گرجی<sup>۲</sup>، عثمان هدایت<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.  
<sup>۲</sup> استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ایران.  
<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

### اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۳۹۹/۰۸/۱۷

پذیرش:

۱۴۰۰/۰۴/۱۴

رمان‌گردی از نخستین دوره‌های شکل‌گیری، با تحولات و منازعات سیاسی - اجتماعی همراه بوده است. نوع ادبی رمان به‌سبب برخورداری از ظرفیت‌های ادبی و بیان دیدگاه‌های متکثر و متعدد، مورد توجه نویسندگان گرد قرار گرفته است. یکی از اقسام رمان، رمان سیاسی است که با مؤلفه‌هایی خاص از سایر جریان‌های داستانی معاصر متمایز است. این تمایز در ادبیات گردی به‌نسبت سایر اقسام داستان‌های اجتماعی، دینی، فمینیستی و غیره، به‌دلیل ویژگی و ماهیت منحصر به فرد و پیوندهای نزدیک با جامعه و وقایع سیاسی و اجتماعی، محرزتر بوده است. از میان مجموعه‌روش‌های تحلیل رمان، روش تحلیل گفتمان انتقادی، سنخیت بیشتری با ماهیت این نوع از رمان دارد. یکی از روش‌های بررسی این نوع خاص از تحلیل رمان و مؤثرترین رویکرد آن، رویکرد فرکلاف است که در بررسی متن به بافت موقعیتی و سیاسی آن توجه ویژه دارد و آن را در سه سطح توصیف، تبیین و تفسیر بررسی می‌کند. رمان *آخرین انار دنیا* یکی از رمان‌های سیاسی به زبان گردی است که بازخوانشی است از رویدادهای قیام ملت گرد برضد حکومت بعث عراق و روی کار آمدن دولت نیمه‌مستقل گردی با پرچمداری احزاب سیاسی آن منطقه. تحلیل گزاره‌های متن در سطح تبیین، نشان می‌دهد که رویدادهای سیاسی دوره و فضای پرتلاطم سال‌های ۱۹۷۵، جنگ‌های داخلی بین احزاب گرد و دوران پراشوب بعد از آن، همواره سبب شکست، ناامیدی و فرودست‌تر شدن مردم شده است. تحلیل انتقادی این رمان، برپایه درون‌مایه خود رمان، نقد خشونت، سیاست و قدرت است که حول مضمون بنیادین استبدادستیزی و سیاست‌ستیزی می‌چرخد. کلمات کلیدی: رمان گردی، تحلیل گفتمان انتقادی، آخرین انار دنیا، بختیار علی، رئالیسم جادویی.

استاد: مرادی، حمید. گرجی، مصطفی. هدایت، عثمان. (۱۴۰۱). تحلیل گفتمان انتقادی رمان *آخرین انار دنیا*، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال اول، دوره جدید، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱: ۱۶۷-۱۴۷.



حق مؤلف © نویسندگان.

DOI : 10.30479/irpli.2021.14460.1012

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسئله

ادبیات، حوزه گسترده‌ای است که در آن، بازتاب زندگی اجتماعی انسان دیده می‌شود. این امر، خصیصه‌ای به ادبیات داده است که آن را به آینه تمام‌عیار رخدادها، حوادث و مناسبات اجتماعی تبدیل نموده است: «ادبیات نهادی اجتماعی است و از زبان به‌عنوان وسیله استفاده می‌کند تا زندگی را به نمایش در آورد» (ولک و وارن، ۱۳۹۰: ۱۰۱). از همین رو ادبیات و فرم‌های مختلف آن را می‌توان پدیده‌های اجتماعی دانست. رمان معروف‌ترین و مهم‌ترین شکل ادبی روزگار ما و از دستاوردهای مدرنیته است: «رمان به دلیل توجه به دگرگونی‌ها و ترسیم حقایق، نگرش نویسنده را در بردارد؛ زیرا رمان از جهت درآمیختگی با ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، جدی‌ترین قالب به‌شمار می‌آید» (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۵۰). ویلیام هزلیت<sup>۱</sup> (۱۸۳۴-۱۹۱۳م) درباره رمان می‌گوید: «رمان داستانی است که براساس تقلیدی نزدیک از واقعیت آدمی و عادات و حالات بشری نوشته شده باشد و به نحوی از انحاء، تصویر جامعه را از خود منعکس کند» (میرصادقی و میرصادقی، ۱۳۸۸: ۲۵).

بیش از دو قرن از نشو و نمای رمان در غرب نگذشته بود که ادبیات گردی نیز این نوع ادبی را تجربه کرد. قابلیت و ظرفیت بالای این‌گونه ادبی در بیان اندیشه‌ها و نظریه‌های مختلف در پرتو انعکاس مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، توجه بسیاری از نویسندگان گرد را به خود معطوف کرد؛ به طوری که رمان‌گردی به دلیل ابتناء بر حقیقت‌مندی و بازخوانی و بازآفرینی کشمکش‌ها و جریان‌ات و رویدادهای تاریخی - سیاسی، آینه تمام‌نمای زندگی نویسندگان و مردمان خود شد که با واقعیت‌های تحمل‌ناپذیری مواجه بودند. از آنجاکه سیاست یکی از وجوه واقعیت جامعه است، رمان و ادبیات پیوندی نزدیک با آن دارند؛ این نوع از رمان که به وجوه واقعیت سیاسی جامعه می‌پردازد، رمان سیاسی (political Novel) است: «رمان سیاسی، داستانی بلند است که زندگی قهرمان یا شخصیت‌های اصلی داستان و گاهی راوی آن، با قدرت سیاسی حاکم پیوند خورده است؛ خواه در نبرد با این قدرت، سرپیچی و گریختن از فشارها و خشونت‌هایش، خواه در پشتیبانی و تایید آن» (ابوالحمد: ۱۳۹۱: ۱۵-۱۶). رمان سیاسی به دو نوع «رمان سیاست‌گریز» و «سیاست‌ستیز» تقسیم می‌شود. رمان‌های سیاست‌گریز با توجه به نوع نگاه و نگرش گفتمان قدرت به جایگاه نویسنده و روشنفکران تعریف می‌شود؛ رمان‌های سیاست‌ستیز نیز به نوعی به اعمال سیاست‌های گفتمان قدرت و اثرات آن اشاره دارد و به بازنمایی واکنش و دیدگاه اهل قلم به پیامدها و اثرات این سیاست‌ها مرتبط است.

رمان گردی از ابتدا و با توجه به پیشینه آن در ادبیات گردی، رمانی سیاسی بوده است، به جرئت می‌توان گفت که «وجه مشترک اکثر رمان‌های گردی، مربوط به حیات اجتماعی آشفته ملت کرد، به‌ویژه جنگ و ملت - گرای است» (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۵). اگرچه رمان گردی خیلی دیرتر از سایر انواع ادبی ظهور کرد، با توجه به

تحولات معاصر جامعهٔ کردستان، به‌ویژه از دههٔ ۸۰-۹۰ میلادی به بعد، شاهد رونق آن هستیم (محمد، ۱۹۹۹: ۱۵-۱۶). در واقع، فشارهای سیاسی اجازهٔ نوشتن رمان را به نویسندگان نمی‌داد اما با روند تحولات، از همان دهه‌ها رمان کردی گسترش پیدا کرد و توانست تأثیرات خود را بر جامعه اعمال کند. رمان *آخرین انار دنیا* (۲۰۰۴ م)، نمونه‌ای موفق از رمان‌هایی است که توانسته است چنین نقشی را ایفا نماید. این رمان با داشتن فضا و مکان خاص تاریخی - سیاسی، نوع نگرش به ناسیونالیسم کردی، تقدس‌زدایی و تابوشکنی از رخدادهای تاریخی کردستان عراق، تأثیر سیاست و جنگ بر اجتماع، تضاد نسل‌ها و تغییر نگرش و جهان‌بینی شخصیت اصلی رمان در پی زندانی‌شدن و تصویر فضای خفقان و سرگشتگی ملت کرد عراق، رمانی سیاسی است؛ بنابراین «تحلیل و بررسی ادبیات سیاسی معاصر، به‌خصوص متون داستانی در دهه‌های اخیر، با تحلیل انتقادی گفتمان پیوند خورده است و منتقدان سعی کرده‌اند با استفاده از این رویکرد، روابط قدرت را در داخل متن بیابند و در این راستا، به نوع قدرت سیاسی حاکم و ایدئولوژی نویسنده پی ببرند؛ به‌خصوص که به سبب ملاحظات سیاسی، نویسنده به کمک شگردهای هنری، مسائل سیاسی و انتقادی را در لایه‌های زیرین اثر مطرح می‌کند» (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۳۶). می‌توان ادعا کرد که ظرفیت رمان از حیث تناسب با تحلیل گفتمان، تا حدی است که بتوان رمان‌ها را در یک نگاه عمومی، ظرف گفتمان روزگار دانست: «چراکه درون‌مایه‌های رمان مانند سخن‌گزارنده‌ای از ذهن جامعه عبور نخواهد کرد؛ بلکه در تکوین هویت اجتماعی، اثر خواهد گذاشت» (گرجی، ۱۳۹۱: ۱۲۷). رمان *آخرین انار دنیا* اثر بختیار علی، نویسندهٔ کرد عراقی، از جمله رمان‌هایی است که می‌توان آن را دستمایهٔ تحلیل برای نشان‌دادن وضعیت سیاسی - اجتماعی و سلطهٔ سیاست بر زندگی اجتماعی قلمداد نمود. به دلیل آنکه تحلیل گفتمان فرکلاف به توصیف، تفسیر و تبیین متن می‌پردازد و ساختار و فرم روایی آن را در بافت اجتماعی - تاریخی قرار می‌دهد و همچنین مواضع نویسنده و ایدئولوژی‌های مسلط در متن را واکاوی و نقد می‌کند، به‌عنوان مبانی نظری این نوشتار انتخاب شده است؛ بنابراین در این پژوهش رمان *آخرین انار دنیا* را در سطح‌های توصیف، تفسیر و تبیین و ساختار و فرم روایی تحلیل خواهیم کرد و همچنین با استفاده از این روش به نقد ایدئولوژی‌های غالب در متن خواهیم پرداخت.

#### ۲-۱. پیشینهٔ پژوهش

در حوزهٔ بررسی و تحلیل گفتمان انتقادی مرتبط با رمان، می‌توان به پژوهش‌ها و مقالاتی نظیر طایفی و دیگران (۱۳۹۷) با عنوان «تحلیل گفتمان سیاست در رمان با شیرو نوشتهٔ محمود دولت‌آبادی»؛ قاسم‌زاده و گرجی (۱۳۹۰) با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی رمان دکتر نون»؛ بهبهانی و دیگران (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی و تحلیل انتقادی گفتمان رمان سگ و زمستان بلند»؛ گرجی و دیگران (۱۳۹۱) با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی رمان کولی در کنار آتش»؛ قبادی و دیگران (۱۳۸۸) با عنوان «تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور» و احمدی و دیگران (۱۳۹۳) با عنوان «تحلیل گفتمان سیاسی رمان تنگسیر صادق چوبک» اشاره نمود.

دربارهٔ رمان کُردی و به‌ویژه آثار بختیار علی به زبان فارسی، پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ از جمله: عبداللهیان و عبدی (۱۳۹۹) با عنوان «تحلیل رمان آخرین انار دنیا اثر بختیار علی؛ خوانشی ساختگرایانه از منظر لوسین گلدمن» و پژوهشی دیگر با عنوان «نقد مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در رمان آخرین انار دنیا اثر بختیار علی» از طایفی و رحیمی (۱۳۹۵). در مورد این نویسنده به زبانی کردی پژوهش‌هایی منتشر شده است؛ از جمله: «ریالیزی جادویی له رومانی دواهمین ههناری دونیای بهختیار عهلیدا» از ویسی و همکاران در سال (۱۳۹۴) و «بررسی مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در رمان نئوآره‌ی په‌روانه‌ی بختیار علی» از سرباز و محمدی (۱۳۹۵). این پژوهش‌ها، آثار ادبی مورد نظر خود را با توجه به تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف انجام داده‌اند که راهگشای پژوهش حاضر است، هرچند که پژوهش‌هایی در رابطه با رمان آخرین انار دنیا انجام گرفته؛ تاکنون پژوهشی با روش و نظریهٔ تحلیل گفتمان انتقادی دربارهٔ این رمان انجام نشده است.

### ۳-۱. مبانی نظری

این پژوهش بر اساس رویکرد و روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف شکل گرفته است. تحلیل گفتمان انتقادی، یک رویکرد بین‌رشته‌ای برای مطالعهٔ گفتمان است که زبان را به‌عنوان شکلی از کارکرد اجتماعی بررسی می‌کند و بر نحوهٔ بازتولید قدرت اجتماعی و سیاسی به‌وسیلهٔ متن و گفتگو تأکید می‌کند. در تحلیل گفتمان، برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانهٔ دیگر، صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهندهٔ جمله، به‌عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، یعنی زمینهٔ متن، سروکار نداریم، بلکه فراتر از آن با عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره روبه‌رو هستیم (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۰). این روش به‌دنبال نشان‌دادن بی‌ثباتی معنا و آشکارساختن رابطهٔ بین متن و ایدئولوژی است تا ثابت کند که هیچ متن یا نوشتاری بی‌طرف نیست؛ بلکه به موقعیت خاصی اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره وابسته است. تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردی تازه در تحلیل گفتمان است که در دهه‌های اخیر در طیف وسیعی از پژوهش‌های ادبیات به‌کار رفته است. در این رویکرد، «گفتمان صرفاً یک پدیدهٔ سازنده نیست؛ بلکه محصول سایر پدیده‌ها به‌شمار می‌آید. نکتهٔ محوری در این‌گونه تحلیل این است که گفتمان گونه‌ای مهم از عملکرد اجتماعی است که دانش، هویت‌ها و روابط اجتماعی، از جمله مناسبات قدرت را بازتولید کرده، تغییر می‌دهد و هم‌زمان، سایر ساختارهای اجتماعی به آن شکل می‌بخشند» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۱: ۱۲۸). صاحب‌نظرانی چون نورمن فرکلاف، روث وداک، راجر فاولر، و گونتر کرس در رشد تحلیل گفتمان انتقادی به‌عنوان گرایشی نو در تحلیل متن نقش داشته‌اند. در این پژوهش از میان رویکردهای یادشده، رویکرد نورمن فرکلاف انتخاب‌شده که روش خاص این تحقیق است. فرکلاف متون را در سه سطح بررسی می‌کند: سطح توصیف: گفتمان به‌مثابهٔ متن (شامل تحلیل زبانی در قالب واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر جمله)؛ سطح تفسیر: گفتمان

به‌مثابه تعامل بین فرآیند تولید و تفسیر متن (بحث از تولید و مصرف متون) و سطح تبیین: گفتمان به‌مثابه زمینه‌های اجتماعی بررسی می‌کند.

از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی، کنش‌های اجتماعی به‌واسطه نظم‌های گفتمانی به ساختارهای اجتماعی متصل هستند. ساختار اجتماعی هم شرط کنش و هم امکان کنش‌ورزی است و یکی از جدی‌ترین کنش‌ها، متون هستند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۵۳). براین اساس «تحلیل انتقادی گفتمان با سه بُعد تحلیلی سروکار دارد: الف) متن: هر متنی مبتنی بر یک نهاد اجتماعی است؛ یعنی درون یک فضای اجتماعی تولید می‌شود و مربوط به یک نهاد اجتماعی است. ب) عمل اجتماعی: هر متنی درون یک عمل اجتماعی (صورت‌بندی‌های نهادی و ساختاری) نوشته می‌شود. ج) عمل گفتمانی: رابطه میان متن و عمل اجتماعی از طریق یک عمل گفتمانی خاص صورت می‌گیرد» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۱).

از این رو در بررسی آثار نویسنده، توجه به موقعیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نویسنده، اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی هر فرد و ذهنیتی که از هر کدام از این فعالیت‌ها دارد، جهان‌بینی وی را رقم می‌زند.

## ۲. بحث و بررسی

### ۲-۱. خلاصه رمان

قهرمان داستان در بحبوحه قیام مردم کُرد علیه دیکتاتوری بعث (۱۹۷۵) در طی عملیاتی اسیر می‌شود و به زندان می‌افتد و حدود ۲۱ سال در زندان به سر می‌برد. داستان این‌گونه آغاز می‌شود:

«صبح روز اول بود دانستم اسیرش هستم. توی آن کاخ متروک، در عمق آن جنگ پنهان بود که گفت بیرون طاعون کشنده‌ای شایع شده» (علی، ۱۳۹۱: ۱۵).

زمان نگارش داستان به سال ۲۰۰۲م. بعد از پیروزی قیام کردها علیه دیکتاتوری بعث برمی‌گردد که کردستان عراق به آرامش نسبی رسیده بود. داستان برشی از حوادث دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ میلادی است که در کردستان عراق روی داده است. «مظفر صبحگاهی» به‌واسطه شخصی به نام «یعقوب صنوبر» (هم‌رزمش در زمان اسارت) از زندان آزاد می‌شود. پس از آزادی، «یعقوب» که از فرماندهان سیاسی وقت است او را در کاخی متروک زندانی می‌کند. او دارای روحی سرگشته و سیاست‌آلود بوده، معتقد است که «مظفر صبحگاهی» دارای روحی پاک و دور از آلودگی است و باید از طاعونی که در بیرون شیوع پیدا کرده، دور بماند. در سیر روایت داستان معلوم می‌شود که منظور از طاعون، بی‌اخلاقی و فساد و سیاست‌زدگی است. «مظفر صبحگاهی» از دوست و هم‌رزم قدیمی‌اش، سراغ پسرش «سریاس» را می‌گیرد که در زمان اسارت به او سپرده بود. «مظفر» در زمان به دنیا آمدن پسرش اسیر می‌شود و دیدار با او، تنها روزنه امید «مظفر صبحگاهی» در زندان است: «هنگامی که سریاس صبحگاهی را جا گذاشتم، تازه متولدشده بود و چند روز بیشتر نداشت، آن روز

نمی‌دانستم سریاس و سریاس و سریاس دیگر هم است. فکر نکنید که پدر بدی‌ام و به سریاس فکر نکرده‌ام، این صحرا بود که نمی‌گذاشت به چیز دیگری بیندیشم» (همان: ۲۱).

«یعقوب صنوبر» از گفتن حقیقت امتناع می‌کند و او با خواهش از «اکرام کوه‌نشین» که در کاخ به سر می‌برد، در پی یافتن پسرش راهی می‌شود. «اکرام کوه‌نشین» مردی است که هیچ درجه و مقام سیاسی ندارد؛ ولی در دوران قیام و جنگ برادرکشی حضور داشته، حوادث را لمس کرده است و اکنون گویی برای تسلی روح خود، به مردم و بازماندگان کمک می‌کند. «مظفر» هنگام جستجو، با شخصیت‌های مختلفی آشنا می‌شود که هر یک در ارتباط با «سریاس» یکم، دوم و سوم هستند. یکی از شخصیت‌ها، «ممد دل‌شیشه» است. «ممد دل‌شیشه» از شخصیت‌های این رمان است که بر اثر عشق به یکی از «خواهران سپید» به اسم «لالولی» می‌میرد. «خواهران سپید» که تنها شخصیت‌های زنانه رمان هستند، با هم عهده‌ی گذاشته‌اند که هرگز ازدواج نکنند و گویی در آن محیط پر از خشونت و خیانت، به جز وفاداری به پیمان، راه دیگری ندارند و اعتماد خود را به محیط و اطرافیان از دست داده‌اند. آن‌ها روایت‌گر زندگی «سریاس اول» هستند. «سریاس اول» کسی است که سازماندهی دستفروشان بازار و کودکان کار را بر عهده می‌گیرد و به‌خاطر دفاع از آن‌ها، توسط ژاندارم‌های حکومتی در یک شورش کشته می‌شود. دستفروشان و دوستانش جسد او را به بالای تپه‌ای می‌برند که انار بلورین در آنجا قرار دارد. در ادامه رمان، راوی متوجه می‌شود که به‌جز «سریاس اول»، دو «سریاس» دیگر نیز وجود دارند. این امر، زمانی محقق می‌شود که او به‌واسطه «آدم مرجان» که کمونیست است، از زنده‌بودن «سریاس دوم» مطلع می‌شود و با کمک «اکرام کوه‌نشین» او را در یکی از زندان‌های احزاب گردی پیدا می‌کند؛ اما تنها راه آشنایی آن دو، رد و بدل کردن نواری ضبط‌شده است. شخصیت «سریاس دوم» شبیه آنچه نویسنده رمان می‌گوید، براساس جنگ شکل گرفته است و به تعبیر او، همانند ماشین جنگ است. «سریاس دوم» در دوران کودکی وارد جنگ می‌شود و وارد حکومت بعث می‌شود. او بعد از مدتی به یکی از احزاب کرد می‌پیوندد و در آنجا هم دست به کشتار می‌زند. هنگامی که «مظفر صبحگاهی» را ملاقات می‌کند، به دلیل مخالفت با سران حزب، در زندان به سر می‌برد. در زندان ضبط صوتی که «سریاس دوم» به «مظفر صبحگاهی» می‌فرستد، به ندیم شاهزاده اشاره می‌کند و می‌گوید که اگر می‌خواهی همه‌چیز برایت روشن شود و از زندگی ما بدانی به سراغ او برو؛ اما ندیم شاهزاده را پیدا نمی‌کند. او از لابه‌لای حرف‌های «سریاس دوم» متوجه اسمی آشنا به نام «جلال شمس» می‌شود و از «اکرام کوه‌نشین» می‌خواهد به او کمک کند تا به پیش او برود. «جلال شمس» از بزرگان و افراد مشهور منطقه است که در زمان قیام، دوست «یعقوب صنوبر» بوده و راز او را نگه می‌دارد. رازی که حاکی از تعدد «سریاس»‌هاست. او از وجود «سریاس» دیگری سخن می‌گوید که اکنون در بیمارستان به سر می‌برد. «سریاس سوم» قربانی رنج‌کشیده‌ای است که شکل دیگری از سیاست و خشونت روی او اثر گذاشته و کودکی‌اش همراه با جسمش در اثر بمباران شیمیایی از بین رفته است. هرکدام از این «سریاس»‌ها - «این سریاس‌ها که فرزند تاریک‌شب‌های انقلاب‌اند» (همان: ۲۹۴) - خواسته یا ناخواسته گرفتار

سیاست می‌شوند و هرکدام نشان‌دهنده مرحله‌ای از سیاست‌هایی هستند که مردم کردستان عراق برای رسیدن به آزادی تجربه کرده‌اند. در ادامه «مظفر» توسط افراد وابسته به «یعقوب صنوبر» دستگیر می‌شود و او را به کاخ، پیش «یعقوب صنوبر» برمی‌گردانند. در کاخ «مظفر صبحگاهی» با خواهش از یعقوب می‌خواهد که دلیل تعدد «سریاس»‌ها و علت بازگونکردن واقعیت را به او بگوید. «یعقوب» به حادثه‌ای در زمان قیام اشاره می‌کند که در آن، با زنی شوهردار رابطه‌ای پنهانی برقرار کرده، از او صاحب دو پسر دو قلو می‌شود. او به دلیل ترس از برملاشدن این حادثه و حفظ آبرو و سمتش در حزب، مجبور می‌شود که اسم هر دو پسر را «سریاس» بگذارد تا کسی متوجه نشود و در ببحوحه قیام برای شناختن «سریاس»‌ها به هریک از آن‌ها یک انار شیشه‌ای داده، آنان را به سه جای متفاوت بفرستد. عاقبت راوی به دنبال پسرش، «سریاس سوم» که دکترها او را برای آزمایش و مداوا به خارج از کردستان برده‌اند، می‌رود و در داخل کشتی روایت‌گر رمان می‌شود.

## ۲-۲. سبک روایی و شخصیت‌های رمان

روایت رمان، تحت تأثیر بافت اجتماعی- تاریخی و فضای حاکم بر آن، مبتنی بر فهم متعارف از «علت- معلول»، «زمان - مکان» و شخصیت‌پردازی رایج داستانی نیست، هرچند روایتی خطی را می‌توان از آن استنباط نمود که توسط راوی (مظفر صبحگاهی) روایت می‌شود. روایت‌ها، در رنگ نوستالژی و تکرار خاطرات پیشین، به صورت مجزاً و درعین حال پیوسته ارائه می‌شود که تا حدودی توانسته است مقوله چندزبانی و چندروایی را حفظ کند. از یک سو، روایت‌ها با توجه به شخصیت‌ها، شرایط زیسته آن‌ها و جایگاهشان تغییر می‌یابند؛ اما ساختار روایی آن کلیت‌بخش است و از سویی دیگر «روایت‌های کوچک» در مقابل «روایت‌های ظفرمند» قرار داده شده است تا موضع‌گیری نویسنده و راوی رمان را برجسته سازد و خرده‌روایت‌هایی را که در حاشیه بوده‌اند، در متن اصلی بگنجانند. به عبارتی دیگر رمان سعی دارد با داستانی کردن رخدادها و حوادث و انتخاب نام‌ها، به مثابه تیپ‌های اجتماعی، به روایت زندگی مردم، سیاست‌مداران و مواجهات آن‌ها بپردازد. در وهله اول، وجه مشخصه رمان در روایت رویدادها، متنوع‌سازی رخدادها و برکندن آن‌ها از زمینه‌های تاریخی- اجتماعی مشخص‌شان و غرق‌شدن در توصیفات جزئی و تک‌افتاده است؛ اما در وهله دوم، بازسازی روایت‌ها با اپیزودهایی است که بدون آن‌ها، روایت داستان باز می‌ایستد. روایت‌هایی که از سوی ستم‌دیدگان و فرودستان روایت شده و فضای آن‌ها حاکی از به‌حاشیه‌راندن این طبقه در مناسبات قدرت است. این امر متناظر با آن چیزی است که موریس بلانشو<sup>۳</sup> آن را «نوشتن فاجعه‌آمیز» یا «ادبیات افول» می‌نامد: «نوعی کشمکش میان داستان و ناداستان (non\_re'cit) که باعث می‌شود صدهای ناشناس از دل فضای مجروح خویش سخن بگویند» (Blenchot, 1986: 24). این ویژگی‌ها و مؤلفه‌ها با توجه به سبک ادبی رمان که «رنالیسم جادویی»<sup>۴</sup> است، بیان می‌شود. روایت‌هایی که هریک از شخصیت‌ها (تیپ‌های اجتماعی) از موضع‌گیری خود در مقابل رویدادها و حوادث ارائه می‌دهند. «مظفر صبحگاهی» در زندان به نوعی از جهان‌بینی می‌رسد که از هرآنچه



جنگ و درگیری و سیاست است، دوری می‌کند و به آن فکر نمی‌کند. در مقابل، «یعقوب صنوبر» شخصیتی است در قالب فرمانده‌ای سیاسی که جنگ و زندگی نظامی، امکان و فرصت تفکر و بارورشدن اندیشه را درمورد مسائل بنیادین هستی، از او سلب کرده و در واقع او، اسیر سیاست کثیف و روزمرگی شده است. یعقوب نمونه بارزی از سیاست‌مدارانی است که زندگی‌شان را در سیاست و جنگ باخته‌اند، شخصیتی که چنان در سیاست غوطه‌ور شده است که دچار یأس و افسردگی شده، از خویشتن خویش بیزار است و به دنبال معصومیتی است که «مظفر صبحگاهی» به دلیل دوری از فضای سیاست‌زده بیرون، از آن برخوردار است: «بعدها فهمیدم که اکثر سیاستمداران و رهبران احزاب سیاسی پس از جنگ و قیام و کشتار برای خودشان خلوتی می‌سازند و قصر مهیا می‌کنند و در آن از معصومیت و پاکی دم می‌زنند و به جهان می‌اندیشند» (همان: ۵۳).

«ممد دل‌شیشه» شخصیت دیگری است که دوست دارد جهان را از پشت شیشه ببیند، او از دیوار بیزار است، چون باعث جدایی انسان‌ها و محرومیت و محدودیت می‌شود و به سبب آن نمی‌توان حقیقت آدم‌ها را دید. این شخصیت از رمان معتقد است زندگی باید همچون یک شیشه، روشن باشد تا دیوارها هیچ چیز را در پشت خود پنهان نکنند (همان: ۴۱). او قربانی عشق می‌شود و تنها شخصیتی از داستان است که توسط عشق می‌میرد. او پسر فرمانده نظامی است که پدرش به دلیل مشغله‌های سیاسی، فرصت رسیدگی به او را ندارد و «ممد» در واقع، مانند یتیمان بزرگ می‌شود. گفتمان‌های او در مقابل با گفتمان‌های پدر صاحب قدرتش شکل می‌گیرد که فردی سیاستمدار است و به نظرش عشق آن‌قدر شایسته نیست که کسی در دامش بمیرد (همان: ۶۵).

شخصیت دیگر رمان، «سریاس اول» است، او قهرمان فداکاری است که رنج می‌کشد و جان خود را می‌دهد تا محیط اطراف خود را شکوفا سازد. وی در مقابل گفتمان غالب قدرت می‌ایستد و در همان روز اولی که به بازار می‌رود، با مأموران حکومتی درگیر می‌شود: «در نخستین غروب دست‌فروشی، نخستین جنگ با مأموران شهرداری را تجربه کرد» (علی، ۱۳۹۱: ۸۶). «سریاس اول» باتوجه به شخصیت تعریف‌شده و کنش‌ها و برخوردهای آن، می‌تواند نماینده کمونیست کارگری باشد که با تشکیل دسته کارگری و سازمان‌دهی آن‌ها، در مقابل گفتمان قدرت می‌ایستد. اوج نقطه تضاد او با گفتمان غالب قدرت، مصاحبه‌ای است که او با یکی از خبرگزاری‌های دولتی انجام می‌دهد و در آن، وی به نمایندگی از کارگران بازار سخن می‌گوید (بنگرید به علی: ۹۵).

تأثیر زنان در رمان پررنگ است؛ اما تعداد آن‌ها تنها دو نفر است. «خواهران سپید» دخترانی حساس، مجرد و سرشار از مهربانی هستند. آن‌ها در کارهای سیاسی دخالت نمی‌کنند و از سیاست دوری گزیده‌اند که از این منظر با «مظفر صبحگاهی» اشتراک دارند. «مظفر» در زندان واقع‌بین می‌شود و «خواهران سپید» نیز دور از سیاست و احزاب و جنگ، در روستایی پناه می‌گیرند.

رمان با رویکردی روان‌شناختی تلاش می‌کند تا با نشان‌دادن حالات و عواطف پیچیده ذهنی و ویژگی‌های درونی شخصیت‌های داستان، به اوضاع روحی و اجتماعی مردم کردستان در قبل و بعد از قیام و جنگ داخلی بپردازد. «سریاس دوم» همراه گفتمان غالب قدرت در جامعه می‌شود، زمانی مانند خائنی برای صدام حسین می‌جنگد، زمانی راهزن است و برای تکه‌ای نان، آدم می‌کشد و زمانی نیز برای احزاب کردستان عراق در جنگ شرکت می‌کند و به طرز بی‌رحمانه‌ای، دست به کشتن پیش‌مرگ‌های دیگر می‌زند ... به طوری که کشتن به جزئی از فلسفه زندگی‌اش تبدیل می‌شود. «سریاس دوم» جنبه حیوانی طبیعت انسان را نشان می‌دهد و نمایانگر تمایلات گناه‌آلود بشر است.

«سریاس سوم» قربانی کامل گفتمان قدرت است. در طی بمباران شیمیایی جسمش سوخته و قربانی کامل سیاست و خشونت شده است و در بیمارستانی پر از سوختگان جنگی بستری است، بیمارستانی که فضای آن کاملاً سوررئال و اکسپرسیونیستی توصیف شده؛ اما امید و شور زندگی در وجودش از بین نرفته است. در کل می‌توان گفت شخصیت‌های این رمان هرکدام توضیح‌دهنده معنای اسم خود هستند و شخصیتشان با توجه به اسمشان تعریف شده است و هرکدام به نوعی زخم‌خورده خشونت و جنگ هستند. راوی، خود یکی از شخصیت‌های داستان است که در بعضی از مواقع، دچار سرگشتگی می‌شود و به شکل مستقیم با مخاطب حرف می‌زند.

### ۲-۳. توصیف متن

در سطح توصیف، متن جدا از سایر متن‌ها، از نظر زمینه و اوضاع اجتماعی بررسی می‌شود: «مجموعه ویژگی‌های صوری که در یک متن یافت می‌شوند، می‌توانند به عنوان انتخاب‌هایی خاص از میان گزینه‌های مربوط به واژگان و دستور تلقی شوند، این تحلیل انتزاعی متن است» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۷). رمان حاضر در مرحله توصیف متن، از شرایط گفتمان‌های دوگانه و تقابلی با به کار بردن واژگان خاص این شیوه شکل گرفته است. عنصر تقابل در متن رمان *آخرین انار دنیا* نشان از تکنیک هم‌نشینی و هم‌آوایی واژگان دارد که این نحوه هم‌نشینی کلمات، طرحی ایدئولوژیک به متن بخشیده است. آغاز داستان با مفهومی‌ترین و قدیمی‌ترین نیازهای زمان بشر (یعنی آزادی) شروع می‌شود. گفتمان آزادی در برابر اسارت که جزئی از گفتمان غالب قدرت را در جامعه شکل می‌دهد، در تقابل است. همچنین به تقابل‌های دیگری چون: زندگی و مرگ، عشق و نفرت، گذشته و حال و من و او [مظفر صبحگاهی، یعقوب صنوبر] می‌توان اشاره کرد: «استعاره وسیله‌ای برای بازنمایی جنبه‌ای از تجربه برحسب جنبه دیگر آن است و به هیچ وجه، منحصر به یک نوع گفتمان نیست که به صورت کلیشه‌ای مرتبط با آن فرض می‌شود، یعنی شعر و گفتمان ادبی؛ اما کلیه جنبه‌های تجربه را می‌توان برحسب هر تعداد استعاره بازنمایی کرد و روابط بین استعاره در متن مورد توجه قرار می‌گیرد، چراکه استعاره‌های مختلف دارای وابستگی‌های ایدئولوژیک متفاوتی هستند» (همان: ۱۷۹). نویسنده با به‌کارگیری

استعاره، سعی در توصیف ادبی، به دور از گزاره‌گویی دارد. این امر با سبک به‌کاررفته در رمان رئالیسم جادویی قرابت دارد تا بتواند با منتزع کردن امر واقع، آن را بی‌محابا توصیف کند و به نقد بکشد. استعاره «هیولا» از جنگ برادرکشی، در ذهن انسان معنایی وحشتناک را تداعی می‌کند که همه چیز را می‌بلعد و نابود می‌کند و تباهی به بار می‌آورد که استعاره‌ای زیبا و تلخ از جنگ‌های برادرکشی است. «شیشه» استعاره از وجودی نازک و حساس است که تحمل فضای تباهی را ندارد و می‌شکند. نویسنده نماد را به‌عنوان ابزاری برای عمق‌بخشیدن به اثر خود و انعکاس امور درونی و اجتماعی به کار گرفته است. به کار رفتن «طاعون» به‌عنوان نمادی از از اوضاع نابسامان و فضای سیاست‌زده جامعه از لحاظ هم‌نشینی با کلماتی چون آلودگی، سم و بیماری کشنده - «بیماری طاعون آمده یک بیماری کشنده» (علی، ۱۳۹۱: ۳۱) - دال بر این نکته است که جامعه دچار بحران و سیاست‌زدگی شده و ناآرام و آلوده است. «باد» و «سپیل» نماد خرابکاری و ظلم و ستم شدیدی است که یک ملت را تهدید می‌کند. تحرک بسیار بالای آن در بخش‌های مرتبط به شخصیت عاشق‌پیشه «ممد دل‌شیشه‌ای» حاکی از آن است که خشونت و سیاست، عشق را تحت‌الشعاع خود قرار داده و آن را به مرگ مبدل می‌سازد. همچنین نگاه نمادین و مفهومی نویسنده به کوهی که درخت انار بر بالای آن قرار دارد، با توجه و علم به اینکه همواره کوه‌ها مکانی برای بازآفرینی و شروعی مجدد برای مردمان کرد به شمار می‌رفته، به‌عنوان نمادی از آرامش به کار رفته است.

نویسنده در داستان روابطی از شمول‌معنایی ایجاد می‌کند که تا پایان داستان ادامه می‌یابد و از لحاظ ایدئولوژیک ارتباط بین واژگان را مشخص می‌کند. جملات با بیانی ساده و روان در وجه اخباری روایت می‌شود. در گفتمان سیاست و جنگ، استعمال واژگانی از قبیل اعتصاب، بی‌قانونی، دیوار، خون، مرگ، ناامیدی، تفنگ، خیانت و فساد در تقابل با گفتمان آرامش، صلح، دوستی، وفا، پیمان، عشق و اتحاد قرار می‌گیرد. گفتمان توصیف آخرین انار دنیا با شیوه محاوره‌ای حرکت می‌کند و هریک از شخصیت‌ها را با جملات توضیحی در داستان ترسیم می‌کند. «بختیار علی» سعی کرده است لحن کلام شخصیت‌ها و آنچه را آنان در فضای سیاسی و اجتماعی آن زمان درک کرده‌اند، در داستان نقل کند. برای نمونه در اعتراضات بازار که دست‌فروش‌ها علیه «ملک دلکوک» ژاندارم (نماینده گفتمان قدرت بعث) به راه انداخته‌اند، نویسنده با لحنی عوامانه و مربوط به همان طبقه، اعتراض دست‌فروشان را چنین نشان می‌دهد: «به ناگاه صدایی غضبناک از دل دست‌فروش‌ها بلند می‌شود: زن خراب ولش کن. به یک‌باره صدایی از چهارستون بازار اوج می‌گیرد: زن خراب ولش کن، زن خراب ولش کن» (همان: ۱۲۷).

این هم‌نشینی واژگانی در توصیفات رئالیستی نویسنده از زندگی طبقه محروم جامعه و کودکان کار و وضعیت بازار - به‌ویژه در شخصیت «سریاس اول» که دستاری سرخ بر سر می‌بندد و سیگاری در دست راست خود دارد - اندیشه‌های کمونیستی را در رمان برجسته می‌کند.

از شگردهای «بختیار علی» در کاربرد افعال این است که با به کار بردن افعال در جملاتی کوتاه، بی‌قراری و اضطراب فضا و شخصیت را به تصویر می‌کشد: «نزدیکش رفتیم. با یک تسبیح بلند ورمی‌رفت. هشت نفر توی اتاق بودند. او بی‌توجه به بقیه با آن تسبیح ورمی‌رفت، نزدیکش رسیدم. دانستم چرا سید جلال نمی‌خواست او را ببینم. چقدر ترسناک بود. انگار دستی قوی توی سرش کوبیده بود. بینش را چنان پیچانده بود که از شکل بیفتند. لب‌هایش روی چانه‌اش افتاده بود. برگ گوش‌هایش لوله بود» (همان: ۲۶۱).

جملات پرسشی در این رمان کم است و تنها در قسمت‌های پایانی آن و در تقابل میان «یعقوب صنوبر» و راوی داستان است که جملات پرسشی مؤکد به چشم می‌خورند: «این چه شکلی از معصومیت است که از نادانی بیرون می‌آید؟ این چه آگاهی است که انسان‌ها را دشمن هم می‌کند؟» (همان: ۲۸۳).

جملات امری نیز مربوط به گفتمان شخصیت‌های وابسته به گفتمان غالب است: «تو اینجا خواهی ماند. اینجا جای همیشگی ماست» و «بیرون نیا دوست عزیز، بیرون نیا» (همان: ۳۶).

از خصائص سبکی و زبانی رمان، می‌توان به هماهنگی بسیار تأثیرگذار واژگان در تداعی فضای روحی و عاطفی حاکم بر محیط و زندگی درونی شخصیت‌ها اشاره کرد: «یعقوب صنوبر تو این رنج‌ها رو درک نمی‌کنی که سال تا سال کسی را ندیدن یعنی چه... یا زندانی سرزمینی باشی که به‌غیر از شن چیز دیگری ندارد... سال‌های سال در خیال سیب بخوری و در خیال انار بیوی، یا نیمه‌شب توی سلولت از خواب می‌پری و می‌بینی بوی گلابی می‌آید. دردناک‌ترین و سخت‌ترین تصویر هنگامی است که در کویر، کاسه آبی برایت بیاورند... با آن آب بفهمی دنیایی هست» (همان: ۵۶).

از نظر بافت موقعیتی با فضای رخداد‌های داستان، تمام عناصری چون: فضای غم‌زده، زندان، بیابان، کاخ، قبرستان، جنگ، قیام و آوارگی، کوچ، بمب، سوختگی و غیره، همه و همه نشانه‌هایی از فضای ملتهب و اختناق‌آوری هستند که شخصیت‌های داستان در آن گرفتار شده‌اند. جملات داستان از نوع جمله معلوم است؛ زیرا روند داستان براساس گفتگو در جریان است و گفتگوی مستقیم در میان شخصیت‌ها، علت‌العلل طرح داستان است. هرکسی گفتار خاص خود را با توجه به تیپ شخصیتی و گفتمان اجتماعی و سیاسی خویش داراست و گوینده معلوم و حاضر، آنچه را در ورای اندیشه‌اش می‌گذرد، بیان می‌کند. «اکرام» در مورد قیام در قالب جمله معلوم به «مظفر صبحگاهی» می‌گوید: «مظفر صبحگاهی قیام دروغ بزرگی است... تو سعادت این را داری که یک جنگجوی بدون نبرد هستی. فکر می‌کردم قیامان که پیروز شود، خاک سرزمینمان درست مثل بهشت بارور می‌شود؛ اما دو روز نگذشته نگاه می‌کنی می‌بینی ای دریغ... من لحظه‌لحظه تولد آن هیولا را احساس می‌کردم، هیولایی که ابتدا کوچک بود؛ ولی قد کشید و همه چیز را خورد» (همان: ۱۶).

در متن رمان بیشتر از ضمیر اول‌شخص «من» استفاده شده است و ضمائر مؤدبانه‌ای چون «شما» کمتر به کار رفته و آن به دلیل این است که جامعه در گیرودار جنگ و در حال گذر از یک مرحله اجتماعی - فرهنگی

است و از این رو، مردم بیشتر به زبان کوچه و بازار حرف می‌زنند، ضمائر زمانی به شکل جمع مطرح می‌شود که در رابطه با قیام حرفی زده شده باشد: «یعقوب صنوبر؛ ما در قیام پیروز شدیم» (همان: ۱۷۲).

#### ۲-۴. تفسیر متن

رمان آخرین انار دنیا در سطح تفسیر، نشأت گرفته از رویدادها و حوادث کردستان عراق از سال‌های اولیه شکل‌گیری قیام‌های مردم کرد برضد حکومت بعث تا زمان پایان جنگ برادرکشی است. موضع نویسنده را در برابر ایدئولوژی‌های مسلط سیاسی، چنین می‌توان نشان داد: «کویر و سیاست مثل هم‌اند. هر دو زمینی‌اند که چیزی در آن نمی‌روید» (همان: ۳۴).

شخصیت‌های رمان، آلوده سیاست شده‌اند و هرکدام به فراخور اوضاع، شرایط و موقعیتی که در آن بوده‌اند، به‌نوعی با سیاست پیوند می‌خورند و حتی «خواهران سپید» که از سیاست دوری می‌کنند نیز تحت تأثیر خفقان و استبدادی هستند که سیاست بر آنان تحمیل کرده است.

آخرین انار دنیا رمانی است که به اثرات جنگ‌های داخلی در کردستان عراق می‌پردازد. بختیار علی نویسنده‌ای اجتماعی و واقع‌گراست که رمانش را در قالب رئالیسم جادویی به نگارش درآورده است. نویسنده با انتخاب این سبک، در پی بیان مصیبت‌ها و ناکام‌ماندن ملت خود در برابر جنگ‌های برادرکشی است. وی در زیرساخت هرکدام از رمان‌های خود، از اتفاقاتی که در تاریخ معاصر کردستان عراق، اثراتی مهم در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته، استفاده می‌کند تا تصویر و درکی از آن حوادث را در قالبی هنری در مقابل دیدگان مخاطب قرار دهد.

جنگ و انقلاب از خشونت‌آمیزترین پدیده‌های انسانی است که ملت کرد عراق، هر دو را با هم در یک فضا تجربه کرده‌است که حتی تأثیر آن را امروزه هم می‌توان دید. نویسنده با به تصویرکشیدن این شرایط، سعی می‌کند در زمانی که گفتمان رسمی، گفتمان خشونت است، گفتمانی ضدخشونت ارائه دهد. رمان آخرین انار دنیا اثری تمثیلی و متنی اعتراضی است که آشفتگی‌های اجتماعی و سیاسی انسان‌های سردرگم را در دایره افکار خویش و مناسبات اجتماعی به تصویر می‌کشد.

#### ۲-۵. عناصر بافت موقعیت تاریخی داستان با توجه به عناصر تحلیل گفتمان

از دید فرکلاف، متن در درجه اول، دارای کلیتی است که بدان وابسته است و در داخل متن، مجموعه‌ای از عناصر وجود دارند که علاوه بر اینکه به یکدیگر مرتبط‌اند، کلیتی را می‌سازند که بدان «گفتمان» می‌گویند؛ لذا متن یا گفتمان، به مجموعه‌ای از عوامل بیرونی متکی است. این عوامل هم در فرآیند تولید متن و هم در فرآیند تفسیر متن مؤثر هستند: «یک متن علاوه بر بافت (context) و فرآیند تفسیر متن، به شدت متأثر از شرایط

اجتماعی است که متن بر آن تولید یا تفسیر می‌شود. بافت فرهنگی و تاریخی، تأثیر بیشتری نسبت به بافت متن و فرآیند تولید و تفسیر آن دارد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۶۹).

«بختیار علی» خود درگیر این حوادث بوده و مانند شاهدی عینی، این حوادث سرنوشت‌ساز را به چشم دیده و آن فضا و موقعیت را تجربه کرده است؛ به طوری که در آثار او تأثیر این چنین رخدادهایی را می‌توان حس کرد. «بختیار علی» این رمان را در سال ۲۰۰۴ نوشته است و ماجرای رمان از جایی شروع می‌شود که قیام‌ها به پایان رسیده، مردم دچار جنگ داخلی شده‌اند و او پیامدهایی را که این رویدادها می‌تواند داشته باشد، در رمان خود انعکاس داده است. نوعی جابه‌جایی و درهم‌ریختگی زمانی در رمان وجود دارد؛ اما نویسندگان به اقتضای نوشتار که به سبک رئالیستی نزدیک می‌شود، سعی دارد زمان رخدادها و حوادث را بازگو کند (برای مثال؛ زمان کشته شدن سریاس اول در صفحه ۱۵۶). پیرنگ داستان به شیوه‌ای است که زمان انتزاع می‌شود و نویسندگان با ارجاعات خود به حوادث مهم تاریخی، پرده از زمان رویدادها برمی‌دارد. زمان وقایع رمان به سال‌های ۱۹۷۵ تا سال‌های بعد از جنگ داخلی کردستان عراق (۱۹۹۴-۱۹۹۷) برمی‌گردد.

آن‌چنان‌که از لابه‌لای متن برمی‌آید، شخصیت اول داستان خود در اولین قیام شرکت داشته، دستگیر می‌شود؛ به طوری که ۲۱ سال اسارت او می‌تواند تعبیری از دوران سلطنت حزب بعث باشد. شکست قیام که به شورش «ایلول»<sup>۵</sup> مشهور است، از لحاظ روانی و اجتماعی، تأثیری قابل توجه بر مردمان آن دیار گذاشت و آنان را نیز از قیام ناامید و دل‌سرد کرد. دولت وقت نیز برای اینکه از رخداد دوباره قیام جلوگیری کند، دست به سیاست شوم عرب‌کردن مناطق کردنشین و کوچاندن آنان به بیابان‌های جنوب کرد. این رویداد با دوران بچگی یکی از شخصیت رمان (ممد دل‌شیشه‌ای) مصادف است که مؤلف به آن اشاره کرده است: «روزگاری که انسان‌ها در پناه دیوارها می‌توانستند تفکر کنند و بیندیشند، درست در آن روزگار بود که کودکی‌اش در دامان مادری ترس‌خورده سپری می‌شود. مادری هراسان که هر دم بیم آن دارد، لو برونند و با کتف‌های بسته روانه بیابان‌های جنوبش کنند» (همان: ۴۰).

برنامه و سیاست جدید بعث علیه کردها بعد از شکست قیام این بود که در بافت ملی - جمعیتی ساکنان کردستان عراق تغییر ایجاد کند که توانستند حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر را روانه بیابان‌های جنوب کنند. کردهای عراق پس از شکست در قیام اول، علی‌رغم فشارها و سیاست‌های حزب بعث، به نبرد علیه این دیکتاتوری پرداختند تا اینکه در سال ۱۹۹۱ به پیروزی رسیدند که مؤلف در رمان به آن اشاره کرده است: «پس از قیام همه چیز عوض شد. که خسرو آقا از حزب بیرون آمد و بلافاصله پیش‌مرگه شد» (علی، ۱۳۹۱: ۲۰۱).

این قیام که به «راپرین» مشهور است، رویدادی سیاسی بود که بر روی مردمان آن دیار، تأثیری بسزا گذاشت. یکی از مهم‌ترین تحولاتی که بعد از این قیام روی داد، بروز جنگ‌های داخلی در کردستان عراق بود که به جنگ «برادرکشی» معروف شد که بیشتر دیدگاه‌های انتقادی نویسنده نیز به این رویداد اشاره دارد؛

درواقع، مؤلف این رمان ضد جنگ و سیاست را در اعتراض به این اشتباه سیاسی سردمداران سرزمین خود نوشته است که در رمان با کلمه‌هایی چون «هیولا» و «بیابان» از آن یاد می‌کند.

رمان به همراهی «سریاس دوم» با حزب بعث اشاره کرده است (صفحات ۱۹۹ و ۲۰۷). «آدم مرجان» نیز - که یکی از شخصیت‌های کمونیست رمان است - حزب کمونیست کردستان عراق را بورژوا می‌خواند و می‌گوید این جنگ، جنگی است برای گرفتن رزق و روزی ما و در این جنگ، طبقه کارگر باید موضع خودش را داشته باشد. نویسنده دیدگاه کمونیست‌های گرد را از زبان «آدم مرجان» بیان کرده که در آن دوران، به حزب کمونیست کردستان عراق و حزبی شیوعی کردستان معروف بودند.<sup>۷</sup>

از پیامدهای جنگ که در رمان به آن اشاره شده است، نوعی شغل و کسب درآمد برای مردم است که با جمع‌آوری مین‌ها و توپ‌های کارنکرده و خمپاره‌ها به وجود آمده است که نویسنده در صفحه ۱۱۴ رمان، با معرفی «مرد مسگر» به این واقعه می‌پردازد؛ به طوری که «مرد مسگر»، «ممد دل‌شیشه‌ای» و «سریاس اول» را همراه با «ندیم شاهزاده» برای جمع‌آوری باقی‌مانده‌های جنگ به کار می‌گیرد.

از دید مؤلف، خشونت جنگ بیش از هر چیزی بر روی جامعه اثر می‌گذارد. «سریاس سوم» خردسالی است که قربانی جنگ می‌شود. این شخصیت همراه با شخصیت فرعی «ستاره سیاه» یادآور بمباران شیمیایی شهر حلبچه در سال ۱۹۸۸ هستند که همچون زخمی دردناک بر پیکره انسان‌های معاصر نشسته است. توصیف او از «سریاس سوم» خواندنی است و بی‌آنکه قلمش دچار احساسات‌گرایی و یا سانتی‌مانتالیسم شود، تصویر کودک جزغاله‌شده را که در زمان روایت، جوانی است هم‌سن و سال دو «سریاس» دیگر، به گونه‌ای تکان‌دهنده در جلوی روی مخاطب قرار می‌دهد. این جریانات نمونه‌هایی از حوادث تاریخی بودند که در این رمان بازتاب داده شده‌اند که نویسنده به شکل مستقیم به آن‌ها نپرداخته است.

براین اساس می‌توان گفت بافتار و موقعیت اجتماعی‌ای که رمان در آن تولید شده است، ناشی از سرگردانی‌ها و شکست‌هایی است که پیامد آن را می‌توان در جای جای متن دید. شکست شورش «ایلول» کوچ اجباری و انفال کردها و جنگ داخلی کردستان عراق نماد این شکست‌ها هستند که نویسنده تلاش کرده است با نمادسازی، استعاره، لحن و شخصیت‌ها، واقعیت‌های ملت کرد را به تصویر کشد. این به تصویر کشیدن از طریق داستان‌گویی، بازسرمبندی کردن تجارب، خاطرات و حوادث تاریخی درون یک کلیت، کنشی در راستای بازخواست تاریخی و صدابخشی به کسانی است که زندگی و تاریخشان، درون ایدئولوژی‌های مسلطی که به روایت تاریخی می‌پردازند، به‌حاشیه رانده شده و یا حذف شده است. رمان از طریق دستمایه‌هایی فرمیک همچون لحن، شخصیت‌پردازی، موتیف‌ها و بسط پیرنگ، با کمک نوعی خاطره‌گویی اپیزودیک که سر آخر به وسیله تم اصلی آن چفت و بسطی ارگانیک می‌خورد، به بازداستان‌گویی تاریخ برون‌افتادگان دست می‌زند. تاریخی که دستخوش تحولات، جریانات و احزاب سیاسی شده است و هر یک، تصویر و روایت متفاوتی از آن ارائه می‌دهند. تولید و مصرف این متن در خاتمه ببحوجه‌ها (شورش‌ها،

جنگ‌ها، شکست‌ها و استقلال) نشان‌دهنده سطحی از تفسیر فراواقع‌گرایی است که نویسنده باتوجه‌به موضع‌گیری‌اش به آن می‌پردازد.

## ۲-۶. سطح تبیین

تبیین، مهم‌ترین مرحله در بحث تحلیل گفتمانی است: «در مرحله تبیین، متن داستان باتوجه‌به تحلیل دو سطح پیشین توصیف و تفسیر، بازخوانی و نقد می‌شود» (گرجی، ۱۳۹۰: ۱۶۶). منتقد در این بخش داده‌هایی را که در دو سطح توصیف و تفسیر عرضه کرده است، تبیین می‌کند.

باتوجه‌به این داستان و ایدئولوژی راوی آن، باید دید در بخش عوامل اجتماعی، چه نوع از روابط قدرت در سطح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی، در شکل‌دادن این گفتمان در داستان مؤثر بوده است. آیا گفتمان غالب در خدمت روابط قدرت موجود است؟ یا در جهت دگرگون ساختن آن؟ باتوجه‌به تحلیل گفتمانی رمان *آخرین انار دنیا* می‌توان متن آن را متأثر از گفتمانی دانست که تولید چنین متن‌هایی را می‌طلبد که موارد مصرف این چنین متن‌هایی در شرایط خاصی فراهم آمده که نقشی مهم در رفع تابوسازی و برجسته‌کردن چهره دیگر جنگ دارد. نویسنده هراسناک از اینکه مخاطب درک درستی از اندیشه و ژرف‌ساخت رمان نداشته باشد، جملات را به صورت توضیحی بیان کرده، به وسیله زبان راوی و دیگر شخصیت‌ها که چون فیلسوف یا شاعر نیستند، به تعریف دامنه‌دار خود از هستی می‌پردازد.

در بخش عوامل اجتماعی، مجموعه‌ای از اختلافات طبقاتی، یأس و ناامیدی، فقر، مرگ، فساد، رشوه، استعمار، کودکان کار، حزب، غارت و بی‌اعتمادی، گفتمان غالب جامعه هستند که نویسنده فضای جامعه آن دوران را خشن، سیاست‌زده، آشفته و ملتهب می‌داند. نویسنده رسانه‌های اجتماعی را نیز گرفتار سانسور و دروغ‌پراکنی می‌داند که در اختیار احزاب قرار دارند و هرکدام به نفع خود، تصویری از دیگری ارائه می‌دهند که در برخورد با مسائل، تحلیل‌های سطحی دارند. زن نیز در این رمان، منفعل و اثرپذیر معرفی می‌شود. این موارد در متن به صورت مکرر و متنوع به کار گرفته شده‌اند. به گونه‌ای که وجه گفتمان غالب شخصیت‌ها، بدون این واژگان بی‌معناست. گفتمان ضد جنگ و سیاست در فضای رمان آن‌قدر رواج دارد که شخصیت‌های طرفدار گفتمان غالب نیز اعتراض خود را به نوعی بیان می‌کنند: «سال‌های سال بود که به آسمان فکر نکرده بودم و ماه را ندیده بودم. دیدم که هم زندگی‌ام را باخت‌ام، یعنی که باید به جهان و ستاره بیندیشم، من تنها عمرم را صرف فکر کردن به جنگ و خون کرده بودم سرم را به سنگی کوبیدم و نعره زدم. واژه جهان کلمه پوچ و گنگی است که هیچ معنایی نمی‌دهد. آن شب را پیروز شدیم؛ اما بازنده واقعی من بودم» (همان: ۵۵).

رمان *آخرین انار دنیا* تبیین نقش انقلاب ۱۹۷۵ کردها علیه دیکتاتوری و به‌ویژه جنگ برادرکشی ۱۹۹۴ ملت کرد عراق است. ملتی جنگ‌زده که رنگ آرامش را برای سالیان سال تجربه نکرد و این پریشانی در حافظه ناخودآگاه این ملت باقی ماند که می‌توان چنین استنباط نمود که گذشته بی‌واسطه نیست؛ بلکه از طریق



متن‌ها و به تبع روایت‌هایی که درباره آن خلق می‌شود، در دسترس قرار خواهد گرفت. این بدین معناست که «واقعیت گذشته» درون سلسله‌ای از روایت‌ها معنی پیدا خواهد کرد و روایت تاریخی، جان‌شین واقعیت می‌گردد. بر همین سیاق، روایت تاریخی یک توصیف بی‌مسئله، ساده و بی‌پیرایه از گذشته نیست؛ بلکه کنشی است مملو از ردپاهای ایدئولوژی‌های متعین و درون برساخته‌های زبانی از تاریخ. این روایت از طریق تمهیداتی همچون: ساخت تقابل‌های دوتایی و سلسله‌مراتب‌ها، پیرنگ‌دهی تراژیک، صدابخشی‌های اعتراضی و چندسویگی روایت به تناقض روایی در تم اصلی خود - استبدادستیزی و سیاست‌ستیزی - دامن می‌زند. نویسنده اجازه می‌دهد با پرداختن به شخصیت‌ها و واکاوی آن‌ها، در مسیر زمان جلو و عقب برویم و مدام دوره قیام و جنگ با دیکتاتوری را یادآور می‌شود. نویسنده با بیان سرنوشت شخصیت اصلی رمان، «سریاس»‌های اول تا سوم و نماد قراردادن بر روی دریا در مسیری نامعلوم، تکرارپذیر بودن تاریخ را به ما نشان می‌دهد، همچنان که سرنوشت او و «سریاس»‌های دیگر نیز در تباهی و سرگستگی، دارای وجهی مشترک است.

بررسی این رمان در سطح تبیین نشان می‌دهد که رُمان، رُمانی ضد جنگ و خشونت است. مؤلف در این رُمان سعی می‌کند شکل‌های دیگری از قیام و انقلاب را به تصویر کشد. او نشان می‌دهد که جنگ و سیاست تا چه حد می‌تواند خانمان‌سوز باشد و بر ساحت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه آسیب رساند؛ زیرا که در جنگ، انسان‌ها از ذات انسانی خود فاصله گرفته، خوی حیوانی می‌گیرند. پدیده اسیرگشتی که در داخل متن به آن اشاره شده است، نمونه‌ای کوچک از این تأثیرات بر روی ناخودآگاه فردی و جامعه است. «بختیار علی» که خود در جریان انقلاب و قیام کردها علیه دیکتاتوری وقت شرکت داشته، شاهد بوده که چگونه انقلاب تغییر ماهیت و هویت می‌دهد و گفتمان قدرت آن را به سمت وسوی خود می‌برد. او با استفاده از ابزار زبانی، به جنگ برادرکشی و سیاست اعتراض می‌کند. نویسنده در شخصیت «سریاس دوم» که تبدیل به ماشین جنگی می‌شود و خودش نیز نمی‌داند که چرا می‌کشد، خشونت ناشی از جنگ را به خوبی نشان می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل گزاره‌های رمان *آخرین انار دنیا* در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین باتوجه به رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، نشان‌دهنده موارد و نتایج زیر بود:

از نظرگاه تحلیل گفتمان انتقادی، دریافت موقعیت تاریخی این رمان، بیانگر حوادث سیاسی- اجتماعی منطقه کردستان است که مهم‌ترین رویدادی را که نویسنده به نقد آن پرداخته، جنگ‌های داخلی موسوم به برادرکشی و پیامدهای ناشی از آن است. نویسنده با انتخاب شخصیت‌های که قربانی جنگ و خشونت هستند، با برجسته کردن گفتمان و تقابل‌های آنان به نقد سیاست و جنگ می‌پردازد. در سطح توصیف: تقابل آزادی و اسارت، آرامش و پریشانی، پاکي و ناپاکی، وفاداری و خیانت و غیره، همه و همه، فضا را در هیجانی تقابلی

فرو برده است. شخصیت‌های رمان همه شبیه هم‌اند. یکی از آن‌جهت که همه ناخواسته در گیرودار حوادث سیاسی قرار گرفته‌اند و از سیاست و جنگ بیزارند و دیگر اینکه هرکدام به‌نوعی شکست را تجربه می‌کنند که بازتابی از شکست اجتماعی و شخصی شخصیت‌هاست. تلاش «مظفر صبحگاهی» برای یافتن «سریاس»‌ها، تلاش «سریاس اول» در حفظ روابط و تشکیل دست‌فروشان، تلاش «سریاس دوم» برای آنکه مهره جنگ نباشد، تلاش «یعقوب صنوبر» برای اینکه «مظفر صبحگاهی» را در کنترل خود داشته، به اصالت انسانی برگردد، تلاش «ممد دل‌شیشه‌ای» برای رسیدن به معشوقه‌اش و تلاش «خواهران سپید» که همگی به‌نوعی دچار شکست می‌شوند. در سطح توصیف، نویسنده با استفاده از نام‌گذاری و عنوان رمان و نیز استفاده از اسطوره‌ها و حضور نمادها در آن، درصدد نشان‌دادن تقابل شخصیت‌ها با فضای سیاسی خشونت‌آمیز است. نظرگاه تحلیل گفتمان انتقادی در بخش تفسیر، از دیدگاه بینامتنی و کاربرد روایت در متن به‌عنوان گفتمان‌های جاری این رمان، کاملاً در تعامل با تحولات سیاسی- اجتماعی شکل گرفته است. جریان‌های گفتمانی چون: دیکتاتوری بعث، قیام‌های «ایلول» و «راپرین»، جنگ ایران و عراق، بمباران شیمیایی حلبچه و از همه مهم‌تر جنگ‌های برادرکشی، از مهم‌ترین ماجراها و جریاناتی است که نویسنده در این رمان به آن‌ها پرداخته است که با بافت داستانی رمان نیز هماهنگی دارند. بررسی در سطح تبیین نیز نشان می‌دهد که گفتمان خشونتی که در جنگ شکل می‌گیرد، توان این را دارد که سال‌ها به تولید و بازتولید خود در جامعه ادامه دهد. دیدگاه خاص و ایدئولوژیک نویسنده با استفاده از انتخاب واژگان مناسب و توصیفات رئالیستی در بافت متن، در پی انعکاس جریان گفتمانی ضد خشونت است؛ بنابراین روایت‌های رمان، حول‌وحوش تم بنیادین «استبدادستیزی» و «سیاست‌ستیزی» می‌چرخد که موضع‌گیری نویسنده را هم نسبت به این تحولات و جریان‌ها نشان می‌دهد. نقد خشونت و میلیتاریسم، اطاعت کورکورانه، تداوم امیدها با وجود تجربه شکست‌ها، از بن‌مایه‌های اصلی رمان است. این رمان، روایت شکست کردها و خیانت‌های سردمدارانی است که در فاصله سال‌های ۱۹۷۵ و بعد از استقلال و جنگ‌های داخلی از ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷ به وقوع پیوسته است، رمانی انتقادگر که به دلیل فضای سیاسی حاکم بر جامعه کردستان عراق، از سبک رئالیسم جادویی برای بیان اندیشه‌های انتقادی خود سود جسته است.

### ملاحظات اخلاقی

#### مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تهیه مقاله مشارکت داشته‌اند.

#### منابع مالی

#### تعارض منافع

این مقاله با سایر آثار منتشرشده از نویسندگان هم‌پوشانی ندارد.

#### پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در این مقاله همه حقوق مرتبط با اخلاق پژوهش رعایت شده است.

## یادداشتها

### ۱. William Hazlitt

۲. تعداد رمان‌های کردی که تا سال ۱۹۹۰ منتشر شدند، به‌جز رمان‌هایی که در شوروی منتشر گشتند، تقریباً بیست عنوان بود (دوازده رمان در عراق و کردستان عراق، سه رمان مخفیانه و پنج رمان در مهاجرت. قبل از انتشار پیشمرگه (از رحیم قاضی) در سال ۱۹۶۱، هیچ رمان کردی، نه به‌صورت نوشته‌شده و نه ترجمه شده، به سورانی منتشر نشده بود (به نقل از احمدزاده، ۱۳۸۶: ۲۴۲). بر سر تاریخ پیدایش اولین رمان کردی، مناقشات فراوانی وجود دارد\* (شاکلی، ۲۰۱۶: ۲۰؛ خزنه دار، ۲۰۱۰: ۳۷۶؛ احمدزاده، ۲۰۰۳: ۱۱۹).

### ۳. Blenhot, M

۴. رئالیسم جادویی بر بازنمایی واقعی و تخیلی یا جادویی چیزها آن‌گونه که گویی واقعاً رخ داده‌اند، تکیه می‌کند. کار رئالیسم جادویی، فهمیدن این نکته است که چگونه ساختمان روایت، بافتاری واقعی برای رویدادهای جادویی داستان فراهم می‌کند؛ بنابراین رئالیسم جادویی بر واقع‌گرایی متکی است؛ اما تا آنجا که آنچه را به مثابه واقعیت قابل پذیرش است، بتواند بسط دهد» (آن باروز، ۱۳۹۴: ۴۵).

۵. شورش و قیام ایلول به رهبری ملا مصطفی بارزانی بر ضد حکومت پادشاهی عراق و بعد از آن بعضی‌ها بود که به انعقاد قرارداد الجزایر بین شاه ایران و صدام حسین منجر شد که براساس آن، ایران از حمایت کردهای عراق در مبارزه با حکومت عراق دست کشید که در مقابل آن، شطالعرب به ایران واگذار شد. در پی این قرارداد، محمدرضا شاه متعهد به ترک حمایت از کردهای عراق شد که همین امر، سبب شکست و آوارگی آنان شد.

۶. به کردی: براکوژی. این جنگ از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷ بین دو حزب اصلی کردستان عراق یعنی حزب دمکرات کردستان و حزب اتحادیه میهنی کردستان روی داد که موجب تلفات زیاد مالی و جانی از هر دو طرف درگیر شد.

۷. حزب کمونیست کردستان عراق (به کردی: حزبی شیوعی کوردستان) حزبی است با پیش مارکسیستی که قبلاً از سال ۱۹۴۵ به بعد، به‌عنوان شاخه حزب کمونیست عراق فعالیت می‌کرد. از آغاز دهه ۹۰ م. با نام جدید، فعالیت مستقل خود را ادامه داد و هم اکنون از احزاب فعال در اقلیم کردستان عراق است.

## - فهرست منابع و مآخذ

### - کتاب‌ها

- ابوالحمد، عبدالحمید. (۱۳۹۱). *رمان سیاسی در ایران*؛ جلد اول، تهران: چاپخس.
- احمدزاده، هاشم. (۱۳۸۶). *از رمان تا ملت*؛ ترجمه بختیار سجادی، گُردستان: دانشگاه گُردستان.
- بهرام‌پور، شعبانعلی. (۱۳۷۹). *درآمدی بر تحلیل گفتمان: مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی*؛ به اهتمام محمدرضا تاجیک، چاپ اول، تهران: فرهنگ گفتمان.
- پارسی‌نژاد، کامران. (۱۳۸۷). *نقد ادبیات منطبق با حقیقت*؛ تهران: خانه کتاب.

- خهزنده‌دار، مارف. (۲۰۱۰). *میژووی نده‌بی کوردی* (۱۹۴۵-۱۹۷۵)؛ بهرگی شه‌شم، هه‌ولیر: ئاراس.
- علی، بختیار. (۱۳۹۱). *آخرین انار دنیا*؛ ترجمه آرش سنجابی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات افراز.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل گفتمان انتقادی*؛ ترجمه فاطمه شایسته پیران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- گرجی، مصطفی. (۱۳۹۰). *بررسی و تحلیل ادبیات داستانی سیاسی معاصر* (۱۳۵۷-۱۳۸۵)؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی. (۱۳۸۸). *واژه‌نامه هنر داستانی: فرهنگ تفصیلی اصطلاح‌های ادبیات داستانی*؛ ویرایش دوم، جلد دوم، تهران: کتاب مهناز.
- ولک، رنه و وادن، اوستن. (۱۳۹۰). *نظریه ادبیات*؛ ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، چاپ سوم، تهران: نیلوفر.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*؛ چاپ اول، تهران: هرمس.
- یورگنسن، ماریا و فیلیس، لویز. (۱۳۹۱). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*؛ ترجمه هادی جلیلی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

#### مقاله‌ها

- احمدی، اصغر و دیگران. (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمان سیاسی رمان تنگسیر صادق چوبک»؛ *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۱۰، شماره ۳۶: ۹۵-۱۳۱.
- بهبهانی، مرضیه و دیگران. (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل انتقادی گفتمان رمان سگ و زمستان بلند»؛ *فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی*، سال اول، شماره چهارم.
- سرباز، حسن و چنور محمدی. (۱۳۹۵). «بررسی مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در رمان *نیاور*ی په‌روانه‌ی بختیار علی»؛ *پژوهشنامه ادبیات کردی*، سال دوم، شماره ۲: ۳۲-۱.
- طایفی، شیرزاد و دیگران. (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمان سیاست در رمان با شیبرو نوشته محمود دولت‌آبادی»؛ *فصلنامه ادبیات پاریسی معاصر*، سال هشتم، شماره دوم: ۵۸-۸۵.
- طایفی، شیرزاد و محسن رحیمی. (۱۳۹۵). «نقد مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در رمان *آخرین انار دنیا* اثر بختیار علی»؛ *پژوهشنامه ادبیات کردی*، سال دوم، شماره ۲: ۱۰۲-۸۱.
- عبداللهیان، سمیه و هیوا عبدی. (۱۳۹۹). «تحلیل رمان *آخرین انار دنیا* اثر بختیار علی: خوانشی ساختگرایانه از منظر لوسین گلدمن»؛ *پژوهشنامه ادبیات کردی*، سال ششم، شماره یک، پیاپی ۹: ۲۳-

- قاسم‌زاده، سید علی و مصطفی گرجی. (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان انتقادیِ رمانِ دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست داشت»؛ *فصلنامه ادب پژوهی*، شماره هفدهم: ۳۳-۶۳.
- قبادی، حسینعلی و دیگران. (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور»؛ *فصلنامه نقد ادبی*، سال ۲، شماره ۶، ۴۲-۵۲.
- گرجی، مصطفی و دیگران. (۱۳۹۱). «تحلیل گفتمان انتقادی رمان کولی در کنار آتش منیرو روانی‌پور»؛ *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال پنجم، شماره اول، شماره پیاپی ۱۵: ۷۹-۹۰.
- گرجی، مصطفی. (۱۳۹۱). «نقد سیاست‌زدگی در رمان معاصر (مطالعه موردی در رازهای سرزمین من)»؛ *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۲۷، ۱۵۸-۱۲۵.
- وهیسی، هیوا و سعیدی‌تهبار، محمدمهد زاهد و نه‌لماسی، عهتا (۱۳۹۴)، «بریلزیمی جادوویی له رومانی دواهمین ههناری دونیای به‌ختیار عه‌لیدا»؛ *پژوهشنامه ادبیات کردی*، سال اول، شماره ۱: ۱۰۱-۱۳۰.
- منابع لاتین

- Shakely, Farhad. (2016). *The Modern Kurdish Short Story*, Sweden: Uppsala University.
- Marica Blenhot. (1986). *The Writing of disaster*, Lincoln, NB, University of Netrica press .